

وکیل از کدام حق دفاع می کند ؟

در ادبیات حقوقی، عرفانی و اجتماعی ما، واژه حق در چهار معنای متفاوت به کار رفته است:

1- به معنای مطابقت ادعا با مستندات پرونده (حق متحرک) .

2- اصابت با واقع امر

3- مطابقت با لوح محفوظ

4- حق دفاع

1- به معنای مطابقت ادعا با مستندات پرونده (حق متحرک):

از دیدگاه آئین دادرسی ذیحق به کسی اطلاق می شود که دارای مدارک و مستندات مثبت دعوی باشد. از این نظر، احقاق حق از یک طرف به معنای شناخت مبنا و سبب دعوی، کیفیت طرح و اقامه دعوی، مطابقت اسناد و مدارک با خواسته و از طرف دیگر شناسایی حق توسط قانون، مطابقت دعوی با مبانی حقوقی، احراز صحت و اصالت اسناد و رعایت اصول دادرسی می باشد. هرگونه اقامه دعوی بدون ارائه ادله قانونی و شرعی و مستندات مثبت و هر نوع دفاع نامتناسب با دعوی و فقد مدارک و دلایل مرتبط و مؤثر در دعوی در این مقام موجب رد دعوی و یا محکومیت است.

2- اصابت با واقع امر

چنین نیست که در جریان دادرسی کسی که در واقع ذیحق است، همواره برنده دعوی باشد. بلکه بسیار اتفاق می افتد که صاحب حقی به دلیل عدم توانایی در طرح صحیح دعوی، نداشتن مدارک و مستندات لازم، دفاع نامتناسب و فقد ادله اثباتی، مواجه با محکومیت شده و آثار و نتایج زیانباری نیز بر وی تحمیل می شود.

اینکه گفته اند «: قاضی فصل خصومت می کند نه احقاق حق»؛ ناظر بر همین نکته مهم و اساسی در دادرسی است. دادرسی در مقام قضاوت نمی تواند بر خلاف مندرجات و مستندات پرونده، رسیدگی کرده و انشاء رأی نماید. حتی اگر وی به طریقی خارج از مستندات پرونده، به حقانیت اطراف دعوی علم و آگاهی یافت و این علم بر خلاف مدارک و دلایل پرونده بود، نمی تواند به علم خود عمل کرده و جریان دادرسی را از مسیر رسیدگی قانونی خارج نماید.

از همین جا به دو نکته ی اساسی واقف می شویم

الف) یکی از دلایل دلخوری و ذهنیت منفی نسبت به دادگستری، آنست که غالباً گمان می برند همین که خود را واجد حقی یافتند، این حق قابل احیا و مطالبه در نظام دادرسی است و وقتی به دلیل ناتوانی در اقامه دعوی و اثبات و احقاق حق خویش در دعوی بازنده می شوند، به دستگاه قضا بدبین شد و حتی به قاضی که طبق قانون رسیدگی کرده، اتهام جانبداری از ناحق زده و از وی تصویری منفی که منطبق با واقع نیست، می سازند .

ب) اهمیت نقش و جایگاه وکیل دادگستری در دعوی نیز آشکار می شود. وکیل در مقام قبول وکالت به مانند قاضی از دریچه علم وکالت خویش پرونده را مورد رسیدگی قرار داده، ادعای موکل را با موازین و اصول حقوقی سنجیده، وزن دلایل و بینه اثباتی وی و تناسب آن با دعوی را بررسی کرده، جهت و سبب دعوی را تشخیص داده و نسبت به طرح صحیح

دعوی یا دفاع متناسب اقدام می کند. نقش وکیل در احقاق حق واقعی موکلی که اتفاقاً فاقد مدارک برای اثبات است نیز حساس و کلیدی است. وی می تواند با استفاده از تخصص حقوقی و علم و کالتی خویش قبل از ورود به دعوی، نسبت به جمع آوری و ارائه ادله متناسب اقدام کرده و حق به معنای نخست را با حق به معنای دوم در هم آمیزد و به اصطلاح حق را به حق دار برساند.

3 - مطابقت با نفس الامر و لوح محفوظ

این برداشت از حق دارای جنبه عرفانی و درک عارفانه از حقائق هستی و تناسبی که سرنوشت بشر با اعمال وی دارد، می باشد. لذا گفته اند: اعمال ما عادت می سازد، عادت ملکه می سازد و ملکه تجسم می آفریند. یعنی بازتاب اعمال انسان به وی برمی گردد. لذا برخی عرفا با استناد به آیات قرآن و احادیث معتقدند هر مشکل، مصیبت، تلخی، صعوبت یا امر ناگواری که به انسان می رسد، حاصل اعمال وی و انعکاسی از رفتارش در گذشته است.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (سوره: الشوری آیه 30)؛ اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که می کنید و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند (1).

این جهان کوه است فعل ما ندا — سوی ما آید نداها را صدا (مولانا)

از این دیدگاه، حوادث جهان هستی و نظام کائنات عین عدل و انصاف است. آنچه از نگاه تنگ دنیوی ما که از اسرار آفرینش غافلیم، ظلم و ناروایی است، در این پندار که مبتنی بر کشف و شهود و شناخت حقائق امور است، عین حق و صواب می باشد. کسی که حقی را پایمال کرده و مباشر یا سبب ظلمی گردد، در همین دنیا با ظلم و تضییع حق خود توسط دیگری مواجه می شود. این فهم عرفانی از عالی ترین مرتبه خود شناسی و حاصل مجاهدت دائمی با نفس و متأثر از زیباترین روح پرستنده است. قلم بدین جا رسید و سر بشکست ... که دست ما خاکیان از آن مقامات عالی کوتاه است.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

4 - حق دفاع

دفاع از دیدگاه قانونی و حقوقی یک نوع حق مسلم و طبیعی برای افراد جامعه شناخته شده است و این امر از اینجا سرچشمه گرفته که هر فردی در جامعه دارای حقوقی است مانند حق آزادی، حق مدنی، حق سیاسی، بدین معنی که سلب کردن هر یک از این حقوق مغایر و خلاف حقوق فردی؛ حقوق فطری و حقوق اجتماعی است. (2)

در پاسخ به سؤال موضوع این نوشتار با نوع دیگری از حق مواجه شده که در نظریات فلسفی مختلف از ابن خلدون و منتسکیو گرفته تا دیگران در تشریح مبانی حکومت، تحلیل حاکمیت، وظائف حاکمان، تعلیل تفکیک قوا، فلسفه وضع قانون و طرح جامعه مدنی به آن پرداخته شده است.

هر انسان بما هو انسان و از آن جهت که عضو اجتماع و ملزم به رعایت قواعد و قوانین جامعه می باشد، صاحب حقوقی نیز هست.

شخصی که نظم اجتماع را مختل و به حقوق سایرین تجاوز کرده حتی اگر مرتکب شنیع ترین جنایات شده و عمل وی از مصادیق خطرناک ترین جرائم و مشمول اشد مجازات تلقی شود، دارای حقوقی از جمله حق دفاع می باشد و قانون گذار برای نحوه رسیدگی به جرائم نقض کنندگان قوانین اجتماعی و متجاوزین به حریم دیگران، تشریفات و آیین رسیدگی خاصی وضع کرده که نقض آن خود موجب مسئولیت و ضمان آور می باشد.

حضور وکیل در جریان دعوا و دخالت وی در فرآیند رسیدگی، تضمین کننده این حق قهری، شناخته شده و الزام آور بوده و ضامن سیر درست جریان دادرسی، بقای امنیت حقوقی و حافظ نظم قضائی می باشد. «در آنجا که حق فردی اشخاص مورد تجاوز قرار گرفت مراجع ذیصلاح از طرق مقتضی و مربوطه در مقام اعاده و جبران آن برمیآیند و این امر بالاخص در مورد ارتکاب بزه بیشتر تجلی مینماید زیرا در اینجا حق فرد و حق جامعه با یکدیگر اصطکاک پیدا میکند که با انجام تعقیب کیفری مجرم و تعیین کیفر متناسب با شرائط و اوضاع و احوال خاص روحی و اجتماعی و میزان مسئولیت او جامعه حق خود را میگیرد و هم اینکه با امکان دسترسی متهم به خدمات و تجارب و تخصص وکیل مدافع حقوق او محفوظ می ماند. و بهمین دلیل است که بطور کلی و به حکم قانون هیچ متهمی در هیچ دادگاهی نباید از کمک و خدمات حرفه ای وکیل دادگستری بی نصیب باشد. به عبارت اخری هیچ متهمی نباید بلا دفاع بماند. و لذا موضوع وکیل تسخیری در امور کیفری و همچنین معاضدت قضائی در امور حقوقی برای افرادی که حقتشان مورد تضییع قرار گرفته و دارای بضاعت مالی کافی نیستند در قانون پیش بینی شده است حق دفاع به قدری طبیعی و محترم است که سرلوحه تمام قوانین اساسی کشورهای جهان قرار گرفته است.»³

از همین جا و با این تحلیل، بطلان نظر و سستی عقیده آنان که وکلا را به دلیل دفاع از حقوق متهمین به جانبداری از ناحق متهم و محکوم می کنند، آشکار می شود زیرا وکیل نه از عمل متهم، که از حقوق مشروع و تضمین شده وی دفاع می کند.

پی نوشتها:

1- هان ای انسانها! هر رنج و گرفتاری که در زندگی به شما در رسد و هر آفتی بر دارایی ها و یا هر خطری بر جانهایتان وارد آید، ثمره شوم گناهان و بیدادگری هایی است که بدانها دست یازیده اید. وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ و بدانید که این، کیفر همه عملکرد نادرست و ظالمانه و تاریک اندیشانه شما نیست، چرا که خدای مهربان بسیاری از گناهانتان را می بخشد و شما را به خاطر آنها کیفر نمی کند. از دیدگاه «حسن» آیه به مقررات کیفری اسلام اشاره دارد که برخی به خاطر دست یازیدن به برخی گناهان و تجاوز به حقوق و حدود دیگران در خور آنها می گردند. اما از دیدگاه «قتاده» آیه شریفه مفهومش عام است و هر گرفتاری و مصیبتی را شامل می گردد و تنها به قوانین کیفری بسنده نمی کند. در این مورد امیر مؤمنان روایت جالبی از پیامبر گرامی آورده است که فرمود: «خَيْرُ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةُ، يَا عَلِيُّ! مَا مِنْ خَدَشٍ عَوْدٍ، وَ لَا نَكْبَةٍ قَدَمِ الْإِبْنِ بَدَنْبٍ، وَ مَا عَفَى اللَّهُ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِيهِ، وَ مَا عَاقَبَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يَثْنَى عَلَيْهِ عِبْدَهُ.» این آیه بهترین و امیدبخش ترین آیه در کتاب خداست که می فرماید: «و ما اصابکم...» آن گاه افزود: علی جان! هر خراشی که از چوبی بر بدن انسان وارد می شود، و هر گامی که می لغزد، بر اثر گناهی است که از او سر زده است؛ و آنچه خدای فرزانه در دنیا ببخشد گرانقدرتر از آن است که در سرای آخرت در آن تجدیدنظر کند و آنچه را که در این جهان

کیفر کرده است، عادل تر و دادگرت‌تر از آن است که در سرای آخرت دیگر باره به خاطر آن کیفر دهد). [تفسیر مجمع البیان](#) (

2- مقاله تحلیل حق دفاع از لحاظ فردی و اجتماعی، سید محمد رضا جلالی نائینی - مجله کانون وکلای مرکز - پاییز و زمستان 1355 - شماره 136 و 137

3- همان

رضا مقصودی - وکیل دادگستری و مدیر سایت حقوقی راه مقصود